



میرزا محمد حسین نائینی از این بزرگمردان جاو پدیدار و مجتهدان وظیفه شناس مکتب پرافتخار امام صادق «ع» می باشد. البته لازم به تذکر است که معاصرین معظم له، چندین مجتهد والامقام بوده اند که هر یک به نوبه خود بزرگ پاسدار اسلام بودند و ما برای همه آنها بالاترین مقام و مرتبه را قائلیم ولی چون مبنای ما بر اختصار است و میرزای نائینی «ره» اندیشه ها و نظرات نوینی بو پژه در علم اصول داشتند، و در حقیقت، یکی از مجددان این علم به شمار می آیند، لذا این بار از این بزرگوار یادی می کنیم ولی همانگونه که گفته شد سایر مراجعی که معاصرین ایشان بودند، شایان احترام و تقدیر بی حدی می باشند، امیداینکه در فرصتی دیگر بایادی از آنان، از زندگی معنویشان، توشه ای برگیریم.



### بیوگرافی میرزای نائینی

میرزا محمد حسین نائینی فرزند شیخ الاسلام میرزا عبدالرحیم نائینی در سال ۱۲۷۷ در شهر نائین چشم به دنیا گشود. او در خاندانی معروف به علم و کمال تربیت یافت و مقدمات علوم را در مسقط الرأس خود فرا گرفت. از آن پس به اصفهان مهاجرت کرد و پس از اتمام مقدمات، فقه را از شیخ محمد باقر اصفهانی و اصول را از میرزا ابوالمعالی کلیناسی و حکمت و کلام را از شیخ جهانگیر قشقانی آموخت.

در سال ۱۳۰۳ که خود را از تحصیل در اصفهان بی نیاز می دید، راه نجف اشرف را در پیش گرفت. قبل از رسیدن به نجف اشرف، راهی سامرا شد و در مجلس درس استادان بزرگی مانند سید اسماعیل صدر و سید محمد فشارکی حضور یافت و بهره های شایانی دریافت.

از آن پس به مجلس درس علامه مجتهد میرزای شیرازی «ره» راه یافت. میرزای نائینی چون از نبوغ و استعدادی بی نظیر برخوردار بود و به فقه آل محمد «ص» عشق می ورزید، از این رو با گذشت اندک زمانی آنچنان مورد علاقه و محبت استاد بزرگ خود قرار گرفت که جزء یاران نزدیک و محرم راز وی گشت. دیری نپایید که استاد رهسپار دیار ابدیت شد و به جای او سید اسماعیل صدر «ره» بر فراز منبر تدریس بالا رفت و پس از دو سال به کربلا مهاجرت فرمود که میرزا نیز برای استفاده بیشتر همراه با استاد به کربلا مشرف شد و

## میرزای نائینی

یکی از ویژگیهای پاسداران بزرگ اسلام و عالمان متعهد و آگاه، این است که در برابر هر یک از آنان که قرار می گیریم، شاهد دریائی بیکران از عظمت و بزرگواری هستیم که ژرفای آن ناپیدا و حتی نمود ظاهریش فراتر از افق دیدگان ما است. اینان که بارستگین امانت الهی را بدوش کشیده و در برابر عظمت ذات اقدس سر برزیر و خاکسازند، از چنان هیبتی الهی برخوردارند که قله دعاوند با آن رفعت و بلندی باید در برابر آنان بزانو نشیند بلکه آسمان باید در مقابل آن همه دانش و فضیلت که پرتوی از نور آسمانها و زمین می باشد، سرتعظیم فرود آورد و ندا در دهد: تا تاریخ زنده است، عالمان زنده و جاویدند.



سالهائی چند در خدمت او بود، سپس برای درک درس استاد والامقام آخوند خراسانی، رهسپار نجف اشرف شد.

### مقام علمی:

با اینکه مجلس درس آخوند خراسانی، از مجتهدان و عالمان سترگ موج می زد ولی همواره نخبگان و زیدگان درخشی بیشتر دارند؛ و به همین دلیل بین میرزا و آخوند ارتباطی گسترده برقرار شد تا آنجا که میرزا نه تنها مشاور سیاسی اجتماعی او به شمار می رفت بلکه یکی از اعضای مجلس استفتاء و جزء خواص بود که در مسائل پیچیده و مشکل استاد را یاری می داد.

برخی از مورخان از جمله مرحوم آقا بزرگ تهرانی «ره» در کتاب «طبقات اعلام البشر» چنین نوشته اند که میرزای نائینی در مجلس درس عمومی آخوند حاضر نمی شد زیرا خود را بی نیاز از آن درس می دید و شأن او بالاتر و والاتر از حاضرین در آن مجلس بود، ولی گویا در آغاز میرزای نائینی به مجلس درس عمومی حاضر می شد و با گذشت زمانی کوتاه که آخوند از ژرف نگری و دقت نظر او آگاه گشته، او را به مباحثه خصوصی دعوت کرده و از خواص مجلس استفتای وی شد.

پس از وفات آخوند خراسانی در سال ۱۳۲۹ هجری قمری، رهبری حوزه علمیه به عهده میرزای نائینی افتاد، و رجال بزرگ فقه و اصول به سوی او روی آوردند و بدینوسیله زعامت عالم تشیع به او واگذار شد.

میرزای نائینی در فقه بی همتا بود و اما در اصول نه تنها در زمان خود همشانی نداشت که نظرات او در این علم برای همیشه مورد استناد محققین و پژوهشگران قرار خواهد گرفت. ایشان به دقایق و ریزه کاریهای دانش اصول کاملاً آگاه بود و بقدری در این علم دقیق بود که بیشتر معاصرین وی، آرا و نظرات او را - خواه ناخواه - پذیرفتند و از آنها پیروی کردند.

مجلس درس میرزای نائینی دارای این ویژگی بود که به علت دقیق بودن و پیچیدگی بحثهایش، جز اهل نظر و دانشمندان خیره، دیگران در آن راه نداشتند زیرا فهم و دریافت آن اندیشه های بزرگ در توان مبتدیان و متوسطان نبود. به همین سبب شاگردانی تربیت کرد که هر یک به نوبه خود مجتهدی نامی محسوب می شد مانند شیخ حسین حلی، میرزا باقر زنجانی، سید محمود شاهرودی، سید محسن حکیم، سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمد تقی آملی، سید حسن بجنوردی، شیخ محمد خراسانی (صاحب فوائد الاصول)، شیخ موسی

خوانساری و شیخ محمد رضا مظفر و بسیاری دیگر از مجتهدین و علمای بزرگ.

میرزای نائینی همچنین در ادبیات فارسی و عربی و در علم کلام و فلسفه زبردست و یگانه بود. آن بزرگوار تألیفاتی با ارزش در برخی مسائل فقهی و اصولی دارند از جمله: رساله هائی در معانی حرفیه، تراجم و ترتب، تعبدیه و توصییه، قاعده ضرر و اضرار، خیارات و معاطات و بیع فضولی و حاشیه ای بر عروه. از درسهای ایشان تقریرات بسیاری چاپ شده است مانند تقریرات مکاسب از شیخ موسی خوانساری و تقریرات صلاة از شیخ محمد تقی آملی و تقریرات اصول از شیخ محمد علی کاظمی.

### ویژگیهای اخلاقی:

میرزای نائینی از ویژگیهای اخلاقی برجسته ای نیز برخوردار بود: او مردی بود پارسا، با تقوی و نسبت به لذائذ زود گذر دنیا بی اعتنا و بی اهمیت، از ریاست و زعامت گریزان، با طلاب و دانش پژوهان فروتن، با ستمگران و حاکمان ظالم شدید و خشن و در برابر خدای خود خاضع و خاکسار تا جایی که مرحوم آقا بزرگ نقل می کند: هنگامی که به نماز می ایستاد بدنش می لرزید و محاسنش از اشک چشمش ترمی شد.

### مبارزات سیاسی:

میرزای نائینی لحظه ای از مشکلات مسلمانان غافل نبود. او در همان حال که در مباحث فقهی و اصولی دریا آسا بود، نسبت به مسائل سیاسی آگاهی کامل داشت.

هنگامی که محمد علی شاه، در جنایتها و ستمگریها به اوج رسیده بود، همگام با آخوند خراسانی به مقابله با او پرداخت و در یکی از اعلامیه ها که با ایشان امضا کرده بود چنین نوشت: «اکنون واجب است این محمد علی شاه سفاک خلع گردد و به حکومت او مالیات داده نشود».

در جنگ جهانی اول، هنگامی که استعمار انگلیس نیروهای خود را روانه بین النهرین کرد، میرزای نائینی با دیگر علمای مبارز علیه انگلیس قیام کردند، و در هر مناسبتی میرزا اعلامیه می داد و مردم را به اوضاع سیاسی آگاه می ساخت. فتوای ایشان پیرامون حرمت شرکت در انتخابات عراق در زمان اشغال آن کشور توسط انگلیس ها معروف است:



«اگر مسلمانان از این سکوت و غفلت بخود نایند و کما فی السابق، در ذلت عبودیت فراغت امت و جباولجیان مملکت باقی بمانند... نعمت شرف و استقلال قومیت اسلامی را از کف خواهند داد و محکوم حکومت نصاری خواهند گشت».

در قسمتی دیگر چنین می گوید:

«... بواسطه جهل است که انسان بیچاره، آزادی خدا دادی و مساواتش در جمیع امور با جبار و غاصبین حریت و حقوق ملیه را رأساً فراموش و بدست خود طوق رفیقشان را به گردن می گذارد، بلکه این اعظم مواهب و نعم الهی و اهم مقاصد انبیاء و اولیاء علیهم السلام را موهوم می شمارد، نادانی و جهالت است که این بهیچمه صفت و دبوسیرت انسان صورت را به بدل تمام قوی و دارائیش در استحکام اساس اسارت و رقیبت خودش و ادار و بجای آنکه با برادران دینی و وطنیش در استنقاذ حریت و تخلص خود از این اسارت و رقیبت و حفظ دین و وطنش همدرد و همدست باشد، بر ریختن خون و نهب اموال و هتک اعراضشان همت می گمارد چنین بی دینی و بی ناموسی و ظالم برستی و اشنع انحاء، راهزنی را شجاعت و شهادت بلکه خدمت به وطن و دولت و موجب سربلندی و شرافت هم می بندارد!»

#### وفات میرزای نائینی:

سراپتام پس از گذشت ۷۸ سال از عمر مبارکش و پس از آن همه خدمت شایسته به اسلام و مسلمین، در اثر بیماری وضعف شدید در روز شنبه ۲۶ جمادی الاول سال ۱۳۵۵ هجری قمری جهان فانی را وداع گفته به لقای خدای خود شتافت. مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی «ره» بر او نماز گذارد و در صحن مبارک امیرالمؤمنین «ع» به خاک سپرده شد.

«بسم الله الرحمن الرحيم - نعم قد حکنا سابقاً بجرمة الدخول فی امر الانتخابات والاعانة فيه بأی وجه کان، علی کل مسلم مؤمن بالله و اليوم الآخر وهذا الحکم کما کان لم یغیر موضوعه ولم یبتدل».

۱۷ شوال ۱۳۴۱. الاحقر محمد حسن العروی النائینی

آری، در گذشته حکم کردیم به حرمت مشارکت هر مسلمان معتقدی به خدا و روز جزا در انتخابات و همکاری در آن بهر وسیله ای که باشد و این حکم همچنان به قوت خود باقی است و موضوع آن به هیچ وجه قابل تغییر و تبدیلی نیست.

هنگامی که انگلیسیها، ملک فیصل را به پادشاهی عراق منصوب نمودند و خواستند آن انتخابات قلابی را در عراق راه بیندازند، یکی از علمائی که با انتخابات مبارزه کرد، مرحوم شیخ مهدی خالصی بود که از این رو، دولت وقت، ایشان را به ایران تبعید کرد. علما از این کار غیر قانونی و اهانتی که به مرحوم خالصی شده بود، به شدت ناراحت شده، در جلسه ای که با هم داشتند، بنابراین شد که دو نفر از پیشوایان بزرگ [میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی] به عنوان استتکار و اعتراض به ایران مهاجرت نمایند.

پس از اینکه قرار بر مهاجرت شد، آن دو بزرگوار به قم مهاجرت کرده و بر پیشوای بزرگ تشیع مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (بنیانگذار حوزه علمیه قم) وارد شدند. حاج شیخ استقبال شایانی از آنان کرد و به شاگردان خود دستور داد، برای تجلیل و تقدیر از مقام ایشان، به درس آن دو عالم شایسته حاضر شوند و درس آنان را رونق بخشند. پس از مدتی که اوضاع عراقی رو به بهبودی گذاشت به نجف اشرف باز گشتند و باهم بار سنگین زعامت و پیشوایی را بدوش گرفتند.

#### تنبیه الأمة و تنزیه الملة:

می توان گفت: اولین فقهی که کتابی مستقل در مسائل سیاسی اسلام نوشته است میرزای نائینی است که با کتاب شریف «تنبیه الأمة و تنزیه الملة» خدمت بزرگی به عالم تشیع و ولایت فقیه کرده است.

نائینی این کتاب را برای ملت ایران و به زبان فارسی نگاشته است. در این کتاب، حاکمیت اسلام با دلیل و برهان اثبات شده و از مسلمانان نه به قومیت و ملیت که به «ملت اسلامی» تعبیر شده است و ستمگران حاکم را «طواغیت امت» می نامد.

در بخشی از این کتاب آمده است: